

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره ی مبارکه ی همزه

استاد ضرابی

جلسه اول ۹۹/۸/۲۴

آیه شریفه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ- به نام خداوند رحمتگر مهربان»

عنوان: رویکرد کریمه «بسم الله الرحمن الرحيم» در سوره مبارکه همزه

اکنون که خداوند از مظاهر بسم الله الرحمن الرحيم، سوره‌ای را چون خوان نعمتی گسترانیده است تا به مؤمنین بیاموزد که چگونه با تغذیه معنوی از این سفره الهی خود را از خطر هلاکت‌بار «ویل» ایمن سازند.

ما نیز در ذیل حمایت و برکت حقیقت این کلمه طیبه به حضرتش متوسل می‌شویم و از او توفیق می‌خواهیم که بتوانیم بخوبی به فرامینش عمل کنیم. نخست لازم است از مظاهر رحمت رحمانیه و رحیمیه و عطایای او در خلقت انسان توجه کنیم:

امام صادق(ع) خطاب به مُفَضَّل بن عُمَر در باره حکمت های نهفته در دستگاه گوارش فرمود: «ای مُفَضَّل! در همه اندام های بدن و در این حقیقت بیندیش که چگونه هر کدام از آنها برای هدفی سامان یافته اند... دهان برای غذا خوردن، معده برای هضم کردن، جگر برای افشردن ساختن، گزرها برای برون شدن پس مانده ها، و روده ها برای انتقال آنها... جز خدا چه کسی برای منافذ خروجی بول و غائط، شیرهایی قرارداد که هر گاه خواهند ببندند و هر گاه خواهند بگشایند تا همیشه جاری نباشند و زندگی آدمی را به فساد نکشانند؟ براستی انسان تا کجا می تواند این نعمتها را به شماره در آورد؟ بی شک آنچه که شمرده نمی شود بیش از آن است که مردم می دانند و می شمارند.» (بحارالانوار: ج ۳ ص ۶۷ تا ص ۱۱۲)

آفرینش همه تنبیه خداوند دلست دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

خداوند در جهان شگفت‌انگیز بدن انسان امکاناتی قرار داد تا عناصر صالح از ناصالح با تجزیه و ترکیب‌های شیمیایی و غیر آن از هم جدا شوند. مواد صالح دائماً جذب بدن شده باعث تقویت، رشد، سلامت و ادامه حیات انسان گردد و مواد ناصالح و زائد دائماً جدا شده و مسیر دیگری را طی کنند تا به عنوان مدفوع، ادرار و سمومات، از بدن انسان خارج شوند، خداوند به انسان آموخت که این نجاسات را در چاهی سرپوشیده قرار دهد تا نتوانند هیچگونه سرایتی به محیط زندگی انسان داشته باشند.

اگرچه داخل چاه‌های فاضلاب، انواع حیوانات متناسب با آن محیط کثیف و آلوده زندگی می‌کنند ولی آنها هم در داخل آن چاه‌ها محصور می‌مانند و اجازه خارج شدن از آن محیط را ندارند و نباید وارد محیط زندگی انسان شوند؛ در غیر این صورت، سلامت زندگی را به خطر می‌اندازند.

عنوان: چهره اخروی جهاز بدن

خداوند در آخرت باطنی از همین نظام حکیمانه جهاز بدن را بنحوی که در تصور ما نمی‌گنجد و به مقیاسی غیر قابل محاسبه، برای زندگانی ابدی قرار ما داده است، البته باید گفته شود: نظام حاکم بر عالم دنیا ظهوری از نظامی بی‌نقص و حقیقتی بالاتر است. «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ وَ هِيَ فِي عِلْمِنَا لَكِنَّا لَا يُبْدِيهِ لَكَ إِلَّا مَنْ يَشَاءُ لَنَمَلَ بِإِذْنِهِ الْفُلْكَ وَالْفُلْكَ يَصِيرُ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ وَ هِيَ فِي عِلْمِنَا لَكِنَّا لَا يُبْدِيهِ لَكَ إِلَّا مَنْ يَشَاءُ لَنَمَلَ بِإِذْنِهِ الْفُلْكَ وَالْفُلْكَ يَصِيرُ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ

چرخ با این اختران نغز و خوش و زیبایی

صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی

صورت زیرین اگر با نردبان معرفت
بر رود بالا همی با اصل خود یکتاستی

این سخن را درنیابد هیچ فهم ظاهری

گر ابونصرستی و گر بوعلی سیناستی

افرادی که در دنیا در تحصیل طهارت کوشیده اند، خود را از آلودگی‌ها حفظ کرده‌اند یا در صورت آلودگی، خود را با آب توبه تطهیر نموده‌اند، به‌عنوان

عناصر صالح و متناسب با جهان سراسر حکمت و عظمت حقیقت انسانیت و مسیر ساکن شدن در وجود انسان اکبر را که بهشت رضوان الهی است، طی می‌کنند.

البته در این مسیر همه ناخالصی‌ها به شکل تام و تمام از وجود آنها جدا شوند. آنانکه به تعبیر قرآن کریم خود را رها کردند، و مبالاتی از ارتکاب زشتیها و آلوده شده به پلیدیها نداشته‌اند، مسیر کثیف‌ترین و مشمئز کننده‌ترین سرنوشت‌ها را طی خواهند کرد.

« قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا - به راستی رستگار شد، آن کس که نفس خود را تزکیه کرد. و بی شک محروم و ناامید گشت هر کس که آن را به پلیدی آلود» (شمس/۹ تا ۱۰)

این نظام سراسر حکیمانه در جسم و جان انسان در دنیا و آخرت از مظاهر اسماء جلال الهی است که آن روی دیگر اسماء جمال است. به تعبیر دیگر: از لوازم زیبایی‌ها و لذاپذ هستی همانا برکنار بودن از زشتی‌ها و آلام زندگی است.

آنچه در عالم کبیر بود همه شرح کتاب اکبر توست

با توجه به اینکه انسان آیتی است مجمل از مفصلات موجود در جهان هستی، در کلام حضرت امیر می‌خوانیم:

دَوَاؤُكَ فَيْكَ وَ مَا تَشْعُرُ وَ دَاؤُكَ مِنْكَ وَ مَا تَنْظُرُ
وَ تَحَسَّبُ [أَنْزَعَم] أَنَّكَ جِزْمٌ صَغِيرٌ وَ فَيْكَ أَنْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ
وَ أَنْتَ الْكِتَابُ الْمُبِينُ الَّذِي بِأَخْرَفِهِ يَظْهَرُ الْمُضْمَرُ

«ای انسان، داروی تو در درونت وجود دارد در حالی‌که تو نمی‌دانی و دردت هم از خودت می‌باشد اما نمی‌بینی. آیا گمان می‌کنی که تو موجود کوچکی هستی در حالی‌که دنیای بزرگی در تو نهفته است؟! ای انسان، تو کتاب روشنی هستی که با حروفش هر پنهانی آشکار می‌شود»

نقش کریمه «بسم الله الرحمن الرحيم» عنوان:

خلاصه اینکه نقش کریمه ی بسم الله الرحمن الرحيم موضوع بحث ما بود می خواستیم بگوییم که: بشارت باد بر آنکه جانش با «بسم الله الرحمن الرحيم» پیوند خورده و همواره رفیق و همراه اوست:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله): «قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: قَسَمْتُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ بَيْنِي وَ بَيْنَ عَبْدِي فَنَصَفْتُهَا لِي وَ نَصَفْتُهَا لِعَبْدِي وَ لِعَبْدِي. مَا سَأَلَ إِذَا قَالَ الْعَبْدُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: بَدَأَ عَبْدِي بِاسْمِي وَ حَقُّ عَلَى أَنْ أُتِمَّ لَهُ أَمْرُهُ وَ أُبَارَكَ لَهُ فِي أَحْوَالِهِ ... قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: هَذَا لِعَبْدِي وَ لِعَبْدِي مَا سَأَلَ فَقَدْ اسْتَجَبْتُ لِعَبْدِي وَ أَعْطَيْتُهُ مَا أَمَلَ وَ أَمَنْتُهُ عَمَّا مِنْهُ وَجَلَّ - پیامبر (صلى الله عليه و آله) خدای تبارک و تعالی فرماید: «فاتحة الكتاب را میان خودم و بندگانم دو نیمه کردم؛ نیمه‌ای از من است و نیمه‌ای از بنده‌ی من؛ و از آن بنده منست آنچه خواهش کند». گاهی که بنده گوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» خدای جلّ جلاله فرماید: «بنده‌ام به نامم آغاز کرد و بر من لازمست امورش را تمام کنم و احوالش را مبارک سازم ...». خدای عزّوجلّ فرماید: «این از بنده‌ی منست و بنده‌ی من هرچه خواهد از آن اوست و برای بنده‌ام اجابت کردم و آنچه آرزو داشت به او دادم و از آنچه ترسید او را آسوده ساختم» (بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۵۹).

امام عسکری (علیه السلام) فرمودند: «خداوند با عنایت کردن سوره‌ی حمد به پیامبر اکرم (صلى الله عليه و آله)؛ فضیلتی به آن جناب بخشید که به هیچ‌یک از پیامبران (علیهم السلام) پیشین نداده، مگر سلیمان بن داود (علیه السلام)؛ که فقط بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را از این سوره دارد. [و سلیمان (علیه السلام)] این آیه را از تمام سلطنت و قدرتی که خدا به او عنایت کرده بود برتر می‌شمرد [و] می‌گفت: «خدایا! چه کلمات عالی و باارزشی است، من این کلمات را از تمام مملکتی که [به من] عنایت کرده‌ای باارزشت‌ر می‌دانم». خداوند به او خطاب کرد: ای سلیمان! چگونه با ارزشت‌ر نباشد و حال اینکه هر بنده‌ی من چه زن و چه مرد مرا با این کلمات بخواند ثوابی هزار برابر مملکت تو را صدقه بدهد به او عنایت

می‌کنم. این یک‌هفتم از تمام آن سوره‌ایست که به محمد (صلی الله علیه و آله)
سرور انبیاء (علیهم السلام) داده‌ام (سوره‌ی فاتحة الكتاب). « (بحار الأنوار، ج ۸۹،
ص ۲۵۷)

ای خدا ای فضل تو حاجت روا	با تو یاد هیچ کس نبود روا ۰۰۰
قطره‌ای کو در هوا شد یا که ریخت	از خزینه قدرت تو کی گریخت
گر در آید در عدم یا صد عدم	چون بخوانیش او کند از سر قدم